

فصل نگاه جهانی به قیام امام حسین(ع)

رحیم نوبهار

صحنه غم انگیز شهادت حسین در روزگاری دور و در فضایی متفاوت از عصر ما، حس همراهی و همدلی سردترین انسان‌ها را هم برمی‌انگیزد. ادوارد گیبین (۱۷۳۷-۱۷۹۴) مورخ بریتانیایی.

۱. در عصر ارتباطات، سانسور تاریخ روز به روز بیشتر رنگ می‌بازد. در دوران گذشته این امکان وجود داشت تا حتی بخشی از جهان اسلام از کار کارستان امام حسین(ع) و ابعاد آن بی‌خبر بمانند، یا آنان را بی‌خبر نگه داشت. امروزه اما این امکان وجود ندارد. خیل جوانان از مذاهب گوناگون اسلامی و حتی بیرون از دنیای مسلمانان اکنون می‌خواهند بدانند راز اجتماع میلیونی سالانه شیعیان در عاشورا و اربعین در کربلا، ایران، پاکستان، لبنان و جای جای جهان برای بزرگداشت حادثه‌ای که نزدیک به ۱۴۰۰ سال پیش رخ داده چیست؟ عالمان و اندیشمندان مسلمان دیگر نمی‌توانند در این باره سکوت کنند، یا پاسخ‌های کوتاه بدهند. در عصر اطلاعات و رسانه این پرسش حتی برای غیرمسلمان هم روز به روز در حال جدی‌تر شدن است. این وضعیت، مسئولیت تازه‌ای را بر دوش دوست‌داران اهل بیت و امام حسین-علیهم السلام- می‌نهد. آنان باید جوهر و عصاره این پیام را، هم به گونه‌ای که مرهمی بر بخشی از زخم‌های بشر امروز باشد و هم به گونه‌ای قابل فهم تبیین کنند. بدین‌سان دوران پرهیز از رویکردهای فرقه‌گرایانه به ماجرای شهادت امام حسین(ع) به سر رسیده و فصل نگاه جهانی بدان فرارسیده است.

۲. حرمت نهادن به "کرامت انسان" و ستیز با حکومتی که به نام پیامبر(ص)، انسان‌های عادی و نخبگان جامعه را تحقیر می‌نمود، از عناصر اصلی قیام امام حسین(ع) بود. در سراسر کار امام حسین(ع) از آغاز تا انجام روح ستیز با "تحقیر بندگان خداوند" بویژه به نام دین موج می‌زند. او برای امت اسلام همچون موسی(ع) بود که می‌خواست فرزندان اسرائیل را از ذلت بردگی برهاند. بی‌گمان عاشورا و قیام امام حسین(ع) سرشار از انبوهی دست مایه‌هاست که با تکیه بر آن‌ها بتوان از کرامت انسان و "حق تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی" سخن گفت؛ چیزی که همچنان نیاز فوری جهان اسلام و بلکه جامعه بشری است. جامعه مسلمانان هنوز تا شناسایی کامل حق آدمیان بر تعیین سرنوشتان و نهادینه شدن این حق و کاربرد آن در زندگی سیاسی و اجتماعی خود فاصله دارند. نگاه کرامت‌مدار امام(ع) به انسان برخاسته از نگرش "رحمت" بود. در این نگرش، انسان‌ها همچون بندگان خداوند تلقی می‌شوند و کرامت آنان همچون ودیعه‌ای الهی چندان است که می‌ارزد انسان جان شیرینش را برای آن فدا کند.

۳. از عناصر اصلی قیام امام حسین(ع) دامن‌زدن به روح تلاش برای ترویج خیر عمومی (Common Good) در برابر نفع-گرایی‌های شخصی و فردی است. امام حسین(ع) تلاش نمود به جامعه آن روز و امروز روح نوع‌دوستی (Benevolence) و دیگرخواهی بدمد. امام(ع) به بشریت آموخت که برخی چیزها آن قدر با ارزشند که می‌ارزد انسان همه دار و ندار خود را برای آن بدهد. ارزش‌های مطلق و مصالحه ناپردار هم وجود دارند. همه چیز در محاسبه‌های سودگروانه و مصلحت‌انگزارانه حل و فصل نباید بشود. در جهان فردیت‌زده و فردگرای ما که حال و هوای خدمت به خود (Self-service) در حال فراگیر شدن است، اقدام امام حسین(ع) و یارانش همچنان می‌تواند بسی آموزنده و رهگشا باشد. ضرورت "انگیزه‌های خیرخواهانه" در تصدی "مناصب عمومی"، نگاه به حکومت و قدرت همچون ابزاری برای خدمت به بندگان خداوند و پرهیز از به چنگ آوردن به آن به هر بهایی و از هر راهی از اصول آموزه‌های امام حسین(ع) است. خیرخواهی و دیگرخواهی امام(ع) از هر گونه مادی-گرایی عاری بود. تلاش امام(ع)، خالص و صرفاً برای خداوند و تحصیل خشنودی حق تعالی بود؛ همین وجهه و صبغه الهی بود که قیام و یاد و نامش را ماندگار نمود. این نگاه با روح بخشیدن به زندگی و فعالیت‌های انسان، با "بحران معنا" می‌ستیزد و بر آن چیره می‌شود.

۴. امام حسین(ع) همچون نخبه‌ای سیاسی و جاننشین به حق پیامبر(ص) از آن روی که یزید را شایسته خلافت بر مردم نمی‌دید از بیعت با او سرباز زد. این از حقوق مسلم هر شهروندی است. حکومت وقت اما نه تنها این حق را نادیده می‌انگاشت که

طمعانه انتظار داشت امام حسین(ع) آبروی سیاسی، اجتماعی و شخصی خود را، به پای او بریزد. این در حالی بود که آبروی سیاسی امام(ع) به دلیل جایگاه خانوادگی و انتساب نزدیکی به پیامبر(ص) کاملاً شخصی نبود؛ بلکه یک میراث دینی و مربوط به امت هم بود. این حق مسلم امام حسین(ع) و همزمان تکلیف الهی وی بود که هم به عنوان شخص و هم به عنوان میراث‌دار پیامبر(ص) از این کار خودداری کند. عرض و آبرو در دستگاه فکر اسلامی از مصلحت‌ها یا حتی به اعتباری حق‌های بنیادین است. انسان همان‌گونه که موظف است از "جان" خویش دفاع کند، می‌تواند و باید از "عرض" خویش همچون امری شخصی دفاع کند. برای امام حسین(ع) دفاع از مصلحت "عرض" کاملاً با دفاع از "دین" پاک جدش(ص) به هم آمیخته بود. حکومت اموی از امام حسین(ع) سرسختانه می‌خواست امام، عرض و آبروی پاکش را در پیش قرائتی اموی از دین ذبح کند؛ قرائتی که هیچ نسبتی نداشت با دینی که امام حسین(ع) از پدر و جدش فراگرفته بود. احترام به سرمایه سیاسی نخبگان جامعه و به رسمیت‌شناختن تصمیم آنان در نحوه هزینه کردن این سرمایه از اصول انسانی و لازمه جدایی‌ناپذیر احترام به حق‌ها و آزادی‌های شهروندان است. این از جمله چیزهایی بود که امام حسین(ع) "جان" پاکش را در راه آن فدا نمود.

۵. مبارزه امام حسین(ع) با "ولایتعهدی"، پرهیز از "بیعت تحمیلی" و در عوض اقدام برای گرفتن "بیعت آزادانه" از یاران خویش در کوفه توسط جناب مسلم نشان می‌دهد که امام(ع) چه اندازه در ستیز با "استبداد" و "تحمیل" حساس بوده و در ارائه انگاره‌ای از رهبری اسلامی که با روح "مردم‌سالاری" در ستیز نباشد، حساس بوده است. حتی بسیاری از شیعیان امام(ع) که زیر تأثیر آموزه‌های امام علی(ع) در دوران حضور وی در کوفه بودند، در نامه‌های خود به امام حسین(ع) ناخرسندی شدید خود را از پدیده نامشروع و بدعت ولایتعهدی ابزار نموده بودند. امام(ع) شماری از غیرعلویان مانند زهیر پسر قین را با تکیه بر گفت و گو و اقناع وارد اردوگاه خویش نمود. او حتی حاضر نشد کسی بدون میل خویش و از سر شرم و آزر در اردوگاهش باقی بماند. امام(ع) تأکید داشت هر کس با انتخاب و اختیار خود با وی باقی بماند. پرهیز از فشار و تحمیل برای وارد کردن افراد در جریان‌هایی که افراد مایل نیستند، درس اخلاقی امام(ع) است.

۶. جوهر قیام امام حسین(ع) "خیرخواهی" برای امت واحده جدش بود. هر برداشت و خوانشی که این رخداد درس‌آموز را به ابزاری برای ترویج چندگانگی در امت پیامبر رحمت تبدیل کند، نمی‌تواند با اصول آموزه‌های امام حسین(ع) سازگار قلمداد شود. امروز و هر روز پرهیز از فرقه‌گرایی یک ضرورت است. عاشورا را نباید دست‌مایه‌ای برای ترویج اختلاف‌های مذهبی قرار داد. محور کار امام حسین(ع) بازگرداندن امت همچون کل بر محور اسلام وحدت‌بخش پیامبر(ص) بود. برای رسیدن به این "وحدت" لازم بود وحدت قبرستانی اموی البته شکسته شود.

امروزه بخش مهمی از این هدف در صورتی برآورده می‌شود که عالمان و اندیشمندان مسلمان به بی‌تفاوتی و سکوت تاریخی خود در باره رخداد عاشورا پایان دهند؛ مهر سکوت را بشکنند و ابعاد گوناگون عاشورا و شخصیت ارجمند امام حسین(ع) را بشناسند و بشناسانند. کار اندیشمندی مانند: طه حسین، در: "علی و اولاده"؛ عباس محمود العقاد در: "ابوالشهداء، حسین بن علی"؛ جمیله بنت‌الشاطی در: "زینب بطله کربلا"؛ احمد حسین یعقوب در کارهای متعددش، آغازهای مناسبی برای یک شروع دیرنگام است. اندیشمندان اهل سنت می‌توانند و باید پروژه کسانی که نخواستند در باره رخداد بزرگ عاشورا سکوت کنند را تکمیل کنند و تداوم بخشند. موالیان اهل بیت(ع) نیز البته وظیفه دارند در معرفی عاشورا از شیوه‌های تفرقه‌برانگیز پرهیز کنند. ترویج روح کینه، نفرت و فرقه‌گرایی در میان مسلمانان به نام امام حسین(ع) با اصول آموزه‌های اهل بیت(ع) سازگار نمی‌آید.

۷. قیام امام حسین(ع) نماد پرهیز از نژادگرایی، طبقه‌گرایی و تأکید بر روح مساوات و برابری بود. امام حسین(ع) با آن که به اعتقاد شیعیان خود را منصوب از سوی پیامبر(ص) برای زعامت امت می‌دانست، پیوسته از شایستگی‌های فردی خود برای تصدی زعامت امت سخن گفت، تا به همگان بیاموزد صرف افتخارهای نسبی و پیوندهای خانوادگی کسی را پیشوا نمی‌سازد. در میان یاران امام(ع) از بنی‌هاشم تا بردگانی چند حضور داشتند. امام حسین(ع) با همه آنان به چشم مساوات می‌نگریست. او

چنان که بر بالین "جون" برده سیاه حبشی رفت، بر بالین فرزند برومندش علی اکبر(ع) نیز حضور یافت. عاشورا از این چشم-انداز نماد انسان‌گرایی و مبارزه با تبعیض‌های موهوم نژادی و طبقاتی است.

۸. ناهمدلی‌ها و ناسازواری‌های اجتماعی گاه به جنگ و خشونت می‌انجامد. اما در قاموس ادیان الهی و اسلام، صلح، اصل است. ما از امام حسین(ع) فرامی‌گیریم که مسلمان مصلح باید همه توان خود را به کار بندد تا جای امکان جنگ و خشونت رخ ندهد. امام حسین(ع) از لحظه برخورد با حر ریاحی تا پایان، همه تلاش خود را به کار بست تا این واقعه خونین رخ ندهد. او بارها خواست تا به او اجازه دهند، بی‌آنکه از خط قرمز وی یعنی بیعت ذلیلانه عبور شود، همچون شهروندی عادی زیست کند؛ اما آن‌ها به چیزی جز بیعت ذلیلانه که خط قرمز امام(ع) بود، راضی نمی‌شدند. او بارها در این باره برای سپاه اموی خطبه خواند و آنان را از کشتن خود و یارانش بر حذر داشت. تلاش‌های صلح‌جویانه امام حسین(ع) همچون دیگر برادرش امام حسن(ع) برای جهان ما که در گوشه و کنار آن جغد شوم جنگ سرد و گرم ناله سر می‌کند، بسی آموزنده است. روح و گوهر سیره دو سبط پیامبر(ص) و دو سرور و سید جوانان اهل بهشت در اصل تلاش برای ایجاد صلح مشترک است. جهان ما به چنین آموزه‌هایی سخت نیازمند است.

۹. در جریان جنگ و دفاع مشروع، پایبندی به اصول انسانی یک ضرورت است. این معیار مهمی است که افراد و جریان‌ها را با آن می‌توان سنجید. امام حسین(ع) به نیروهای مقابلش "نگاه انسانی" داشت. تاریخ هیچ گزارشی از اقدامات نامناسب اردوگاه امام(ع) در برخورد با سپاه مقابل ثبت نکرده است. او در نخستین رویارویی با سپاه حر، نه تنها سپاه تشنه حر که اسبان آنان را سیراب کرد. آخر او در صفین از پدر آموخته بود که مبارزه باید برای "گشایش" و "بخشایش" باشد؛ نه برای "بستن" و محروم‌سازی. این در حالی است که اردوگاه اموی از آغاز ابتدایی‌ترین "حقوق انسانی جنگ" را نادیده گرفت و با محاصره امام(ع) و یارانش حق طبیعی دسترسی به آب و دیگر امکانات طبیعی را نقض کرد. این تخلفات چندان گسترده بود که هنوز هم جا دارد پرسیم چگونه کسانی می‌توانند به نام دین این همه جنایت کنند؟ این تنها مطالعه‌ای تاریخی برای پاسخ به یک حس کنجکاوی نیست؛ چه به نام دین در هر زمان می‌توان جنایت کرد.

۱۰. بنیاد کار امام(ع) سراسر صداقت و یک‌رویی و پرهیز از هر گونه نیرنگ در سیاست‌ورزی بود. او هوشمندانه همه طرح‌ها و طرفندهای طرف مقابل را نقش بر آب کرد. اما از "اصل صداقت" هرگز روی برنتافت و به رسم سیاستمداران دیروز و امروز آن را زیر پای "مصلحت" قربانی نکرد.

۱۱. حضور زنان در کنار امام حسین(ع) از آغاز تا انجام نشان می‌دهد که از نظرگاه امام(ع) زنان می‌توانند و باید در مسائل مهم اجتماعی به طور صحیح نقش‌آفرینی کنند. توضیح نقش زنان همراه با امام حسین(ع) در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی - های مهم البته فرصت دیگری را می‌طلبد. هر چه بود، نقش زنان هم عمومی و فراگیر و هم تعیین‌کننده بود. زینب(س) تنها زن نقش‌آفرین در کربلا نبود؛ نیز نقش او و دیگر زنان همراه به پس از شهادت امام(ع) و انتقال پیام امام(ع) محدود نبود. همچنین نقش آنان تنها خدمت‌رسانی به مردان نبود. بدون یاری و مساهمت همه جانبه آنان در جریان عاشورا از آغاز تا انجام، از مدینه تا مکه و کربلا و کوفه و شام آفرینش این همه صحنه زیبا، شورانگیز و انسانی هرگز شدنی نبود.

۱۲. باری برای معرفی جنبش و واقعه‌ای این اندازه ژرف، انسانی و درس‌آموز به همه انسان‌هایی که در سراسر جهان می‌خواهند در باره امام حسین(ع) بدانند نخست باید غبار حاشیه‌ها و پیرایه‌ها را فرو نشانید و محتوای اصلی پیام را شناخت. حواشی و پیرایه‌ها نباید بر گوهر و جوهر عاشورا چیره شوند. آن‌گاه با زبانی که با آن بتوان با جهان کنونی ارتباط پیدا کرد، به ترویج محتوای پیام پرداخت. عاشورا هنوز به زبان فرهنگی امروز کمتر خوانده و یا ترجمه شده است. به همین ترتیب، زبان این رخداد بزرگ نیز هنوز جهانی نشده است. نمادها و اثرهای هنری بزرگ و ارجمندی البته در گذر تاریخ در این باره پدید آمده است، اما آن‌ها بیشتر زبان و عناصر فرهنگ‌های خاص را نمایندگی می‌کنند. در دنیای انگلیسی‌زبان و اسپانیایی‌زبان برای نمونه هنوز کمتر محتوای جهانی و نماد و کار هنری وجود دارد. توسعه فرهنگ البته طبیعی و تدریجی است، نه میکانیکی و دستوری؛ ولی کاستی‌ها و کوتاهی‌های خود در باره بازخوانی و بازگویی عاشورا به زبان فرهنگی امروز را توجیه نباید بکنیم. در

گام نخست تدوین نوشتارهای کوتاه، بی‌پیرایه و پرمایه به زبان فرهنگی و زبان‌های زنده جهانی یک ضرورت است. حضور مسلمانان و پیروان اهل بیت(ع) در کشورهای گوناگون برای ترویج پیام امام حسین(ع) یک فرصت بی‌بدیل است. مشکل اما این است که آن‌ها خود گاه نگاه‌های جهانی و فراخ به امام حسین(ع) و محتوای کار او ندارند. نمادها و آثار هنری که در آیین‌های عاشورا به کار گرفته می‌شود گاه چندان محلی است که حتی در پیوند دادن نسل دوم مهاجران مسلمان با عاشورا و قیام امام حسین(ع) نمی‌تواند به آسانی اثرگذار باشد. برای نمونه، نسل دوم مهاجران مسلمان ایرانی به سختی می‌توانند با اشعار زیبا، احساس و غم‌انگیز محتشم کاشانی حتی آنگاه که با خط زیبای نستعلیق نوشته می‌شود، به آسانی ارتباط پیدا کنند. آنان به محتوا، زبان و نمادهایی دیگر نیازمندند. کم نیست البته آثار هنری، نمادها و ابزارهای ارتباطی آفریده شده که هم دارای ارزش هنری است و هم نماد عشق صادقانه مسلمانان به امام حسین(ع). این میراث ارزشمند را باید پاسداشت. حتی باید برای ثبت جهانی پاره‌ای از آن‌ها که دارای معیارهای لازم‌اند، در یونسکو اقدام نمود. این اقدام حتی به نوبه خود به گونه‌ای جهانی-سازی عاشورا کمک می‌کند. اما استفاده از نمادهای انسانی، ساده، جذاب، جهانی، روزآمد و توانمند در انتقال جهانی گوهر پیام امام حسین(ع)، یک ضرورت است؛ ضرورت برای فصلی که نگاه به امام حسین(ع) در حال جهانی شدن است.

آذرماه ۱۳۹۲ش.